

خود را بر معلم هنر تحمیل می‌کند. اتفاقاً این نکته از آن جهت مغتنم است که با علاقه دانش‌آموزان منطبق است و می‌تواند نقطه آغازینی برای کار جدی باشد. در شهرهایی مثل مشهد کار حجاری به عنوان صنعت - هنر ریشه‌ای عمیق دارد. در حال حاضر یکی از شهرهای استان همدان به نام لالچین، پایتخت سفال جهان ثبت شده و در مناطق مختلف استان اراک (ساروق و شاه‌زند و...) قالی‌بافی در حد اعلای آن به حیات هنری خود ادامه می‌دهد. اگر بخواهیم نمونه‌های گوناگون را درباره گلیم، جاجیم، معماری حجم و مجسمه‌سازی، هنرهای سنتی و ... در گوشه و کنار کشور احصا کنیم، برون از هزار و فزون از شمار خواهد شد. مهم این است که معلم گران‌قدر هنر آموزش درس هنر را بر محمل و بستر سرمایه‌های هنری منطقه خود استوار کند. احساس هم‌ذات‌پنداری دانش‌آموز با هنر بومی و مفاخر هنری منطقه خود شورآفرینی لازم را برای دل سپردن به آموزش هنر بهتر و بیشتر فراهم می‌کند. اصولاً از منظر جامعه‌شناسی هنر نیز این موضوع قابل تبیین است؛ زیرا خاستگاه اجتماعی و اقتصادی هنرمند نکته‌ای است که در هنر

یکی از روش‌های مفیدی که آموزش هنر را در کلاس ارتقا می‌دهد، پیوند دادن آن با سرمایه‌ها و داشته‌های هنری است که در محل زندگی دانش‌آموز و هنرجو وجود دارد. خوشبختانه، کشور ما در تمام مناطق - از شمال و جنوب و غرب و شرق - سرمایه‌های هنری مثال‌زدنی در هنرهای مختلف را داراست. یکی از دبیران هنر می‌گفت: دانش‌آموزان را به موزه شهر بردم و برای آن‌ها در شأن و ارزش تاریخی ظرف‌های سفالی و عمل‌آوری آن‌ها از خاک توضیحاتی دادم. این کار باعث جلب توجه آن‌ها به این نکته شد که چگونه نیاکانشان با استفاده از آب و گل و دمیدن شور و شعور هنری در آن، این سفال‌های ارزشمند را به‌وجود آورده‌اند. همین نکته بارقه‌ای از عشق و علاقه در آن‌ها به‌وجود آورد که با سفال‌کاری و کارکردن با گل آثار زیبایی را فراهم آوردند.

در گوشه و کنار کشور پیشینه ارزشمندی از هنرها وجود دارد که برخورد مستقیم با آن‌ها عامل مؤثری در انگیزه‌آفرینی دانش‌آموزان است. برای آموزش هنر نمی‌توان فرمول واحدی در سراسر کشور ارائه کرد. آموزش هنر لاجرم بنابر مقتضیات منطقه‌ای و بومی

بِرَبالِ سَرَم

مکان‌ها می‌انباشتند.

امروز رسالت دبیران هنر، بردن دانش‌آموزان به موزه‌ها و مکان‌هایی است که قدرت زیبایی‌شناسانه آن‌ها چندین مرتبه از آموزش‌های نظری صرف افزون‌تر است. تأثیر درگیر کردن دانش‌آموز و هنرجو در عمق کارهای هنری منطقه امری مسلم است که البته به تناسب محیط اجتماعی، اقلیم طبیعی و شرایط فرهنگی متفاوت خواهد بود. تردیدی نیست که دبیران محترم هنر از این نکته مهم آموزشی تاکنون در ذوق‌ورزی بچه‌ها و تدریس خردمندانه خود بهره گرفته‌اند. اما لازم است تجارب عینی خود را برای «رشد آموزش هنر» ارسال کنند. این حرکت در تبادل تجربه‌ها و استفاده کردن دیگران مؤثر است. رشد آموزش هنر خود را ملزم می‌داند که تجربه‌های به‌جان‌زیسته همکاران گرمی را در حوزه آموزش هنر به نحو مطلوب انعکاس دهد.

در انتظار دریافت مطالب سودمند شما هستیم و برای شما در شناخت و پیوند دادن آموزش هنر با ارزش‌ها، سرمایه‌ها و در رشته‌های هنری منطقه و استانتان آرزوی توفیق داریم.

سردبیر

و آفرینش هنری او تأثیر مستقیم می‌گذارد. رد پای بسیاری از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اثر هنری هنرمندان را می‌توان در پیوند با محیطی که در آن اجتماعی می‌شوند، یافت. این نکته نشان‌دهنده آن است که ذهن و ضمیر بچه‌ها باید با ارزش‌ها و سرمایه‌های هنری منطقه آن‌ها پیوند یابد و این کار ویژه دبیر هنر است که مرحله آغازین و در عین حال مهم هنرمندپروری را عهده‌دار شده است. از هر زاویه‌ای به موضوع بنگریم، قابلیت بسط و گسترش بحث وجود دارد. نمونه‌اعلای این تأثیرگذاری، شهر منحصربه‌فرد اصفهان است که موزه مجسم معماری در قالب اماکن، مساجد، میدان‌ها و خیابان‌ها در آن نمود دارد. آیا می‌توان از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم این نمونه‌های عالی بصری در شکوفا کردن حس زیباشناختی بچه‌ها گذشت؟ تازه، وقتی گنجینه‌های موزه‌ها و مراکز فرهنگی با این مؤلفه‌ها مورد هم‌افزایی قرار گیرد، بسته‌ای فرهنگی و هنری شکل می‌گیرد که دست‌مایه اصلی آموزش هنر است. بی‌دلیل نیست که دبیران هنر در دوران آموزش و تحصیل خود با درسی به‌نام «بازدید از مکان‌های هنری» ذهن خویش را از گنجینه‌های هنری این

پایه‌ها